

تحول کارکردهای پلیس در پرتو نظریه‌های امنیت خرد

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۵/۲۰

داود غرایق زندی*

چکیده

پلیس به عنوان نیرویی اجتماعی، کارکردهایی دارد و تابع پیامدهای ناشی از تحولات و تغییرات اجتماعی است. بنابراین، امر معقول این است که پلیس نیز همانند دیگر نیروهای اجتماعی با آنها همگون گردد، کارکردهایش را با نیازهای امنیتی جدید تسهیل نماید و با چالش‌های جدید مقابله نماید. پلیس به عنوان نیرویی امنیتی باید از منظر امنیتی مورد بحث قرار گیرد. این مقاله، به این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توان تحول کارکردهای پلیس را از منظر تحلیل نظریه‌های امنیت خرد، تبیین نمود؟ برای این کار چهار بحث کارکردهای اصلی و سنتی پلیس، کارکردهای جدید پلیس، کارکردهای اجتماعی پلیس و رابطه پلیس با امنیت ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: پلیس، کارکرد اجتماعی، نظریه‌های امنیت خرد، امنیت فردی، امنیت انسانی، امنیت عمومی، امنیت اجتماعی، امنیت سرزمینی، امنیت داخلی، امنیت ملی.

* دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیأت علمی و مدیر گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی در پژوهشکده مطالعات راهبردی.
Zandi @ risstudies.org

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال دوازدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۸۸ • شماره مسلسل ۴۴

مقدمه

پلیس یا نیروی انتظامی یکی از نیروهای اجتماعی بسیار پیچیده و چندوجهی در جامعه است. کارکردهای این نیروی اجتماعی همانند دیگر نیروهای اجتماعی تابعی از تحولات، درجه پیشرفت و سطح پیچیدگی جامعه است. این بحث شامل کارکردهای سنتی پلیس نیز می‌شود. امروزه، به نسبت گذشته، برخورد با جرایم اجتماعی بسیار سخت و مشکل شده؛ زیرا مجرمان نسبت گذشته تجارب بیشتری یافته‌اند و با توجه به پیشرفت‌های فناوری و اجتماعی، عملیات پیچیده‌تری دارند و یا به صورت سازمان‌یافته عمل می‌کنند. در عین حال، تحولات اجتماعی کارکردهای جدیدی بر کارکردهای اصلی پلیس افزوده است. به عنوان نمونه، یکی از کارکردهای مهم پلیس در جامعه که امروزه وجه بین‌المللی یافته، کارکرد حل اختلاف در جامعه است. این کارکرد در مواقعی فراتر از مرزهای ملی رفته و نقش مهمتری در سطح بین‌المللی پیدا نموده است. به عنوان نمونه، نقش پلیس کشورهای مختلف در استقرار پلیس محلی در کشورهای ورشکسته^۱ یا دچار اختلاف‌های اجتماعی فزاینده نظیر عراق، افغانستان، سومالی و کامبوج، جزء موردهای قابل مطالعه در جهان است. (۱)

تحولات اجتماعی باعث شده نظریه‌های مختلف امنیتی، برای حفاظت مناسب از جامعه، با توجه به شرایط و پیچیدگی‌های جدید، تحول یابند. بخشی از این تحول به گسترش وجوه امنیت ملی از وجه نظامی به وجوه دیگر است که نگاه سنتی به امنیت ملی را دچار تغییر کرده و در عین حال، دیگر امنیت ملی در مدار «اصلی» مباحث امنیتی قرار ندارد و انواع دیگر امنیت از امنیت فردی و انسانی گرفته تا امنیت بین‌المللی را دستورکار کشورها قرار داده است. در این بین، نقش پلیس بیش از هر نیروی امنیت‌بخش در جامعه تحت تأثیر قرار گرفته است. ازسوی دیگر، نقش پلیس در ایجاد امنیت، به‌ویژه در سطح فروملی، کارکرد بسیار تعیین‌کننده و تقویت‌کننده برای امنیت ملی دارد. امنیت ملی نیز در صورت داشتن بنیان‌های قوی داخلی و ملی انعکاس بیشتر و جدی‌تری در سطح بین‌المللی داشته و حتی بخشی از مباحث امنیت داخلی، همانند گذشته، تنها موضوعی داخلی محسوب نمی‌شود و براساس موضوعات

1. failed states

مسئولیت حفاظت بشری دولت^۱ و دولت پاسخگو، مثل موضوع حقوق بشر، مورد توجه بین‌المللی قرار می‌گیرد و بعضاً زمینه مداخله فراملی را فراهم می‌آورد.

این مقاله، با این هدف، سعی در نشان‌دادن اهمیت نقش پلیس در تحولات جدید اجتماعی با توجه به مباحث نظری امنیت خرد دارد. پرسش اصلی مقاله این است که نظریه‌های امنیت خرد چگونه می‌تواند بر تحول کارکردهای پلیس در جامعه تأثیر داشته باشد؟ فرضیه یا پاسخ احتمالی به این پرسش این است که تحول نظریه‌های امنیت خرد می‌تواند در چهار مورد پیچیدگی کارکرد سنتی پلیس، کارکردهای جدید پلیس، نقش پلیس در دیگر کارکردهای اجتماعی و نسبت پلیس با امنیت ملی مؤثر باشد. مفروض مهم این مقاله این است که شناخت نظری اهمیت پلیس در جامعه، نه تنها باعث تسهیل وظایف و مأموریت‌های پلیس در جامعه می‌گردد، بلکه جایگاه این «نیروی اجتماعی» در انواع امنیت، به‌ویژه امنیت ملی، برجسته خواهد شد.

الف. تحول نظریه‌های امنیتی

در این بخش، دو موضوع با توجه به بحث مقاله مورد توجه و گزینش قرار گرفته است. ابتدا نگاهی گذرا به مفهوم امنیت، به‌ویژه تحول امنیت ملی و سپس شناخت مفهومی انواع مختلف سطوح امنیتی به خصوص نظریه‌های امنیت خرد که با نقش پلیس همگونی بیشتری دارد.

نظریه‌های روابط بین‌المللی و امنیتی، با توجه به محوریت ساختار ملت-دولت عمدتاً واقع‌گرایانه و مبتنی بر مفهوم خودیارانه از دولت بوده است. تا پایان دهه ۱۹۸۰، این مفهوم در مطالعات روابط بین‌المللی غالب بوده و عمدتاً نگاه به مسایل کشورها، تابعی از موضوعات روابط بین‌المللی بوده است. در این مفهوم که به معنای سنتی از امنیت معروف است، امنیت عمدتاً مفهومی دولت‌محور بوده و به وجوه خارجی تهدیدات دولت و عمدتاً تهدیدات نظامی اشاره داشت. (۲) به عبارت دیگر، چهار بحث مهم در رابطه با دولت مطرح بود. ابتدا اینکه امنیت به عنوان موضوع مستقلی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی ملی و بین‌المللی مورد

1. responsible to human protect

شناسایی قرار نگرفته بود و تابعی از مباحث قدرت در نگاه واقع‌گرایی و تاحدی صلح در نگاه آرمان‌گرایانه بود. دوم آنکه، چون در ساختار ملی‌گرایانه، دولت متولی اصلی حفظ امنیت است، مفهوم امنیت ملی تابع تهدیداتی است که عمدتاً موجودیت دولت‌ها را هدف قرار می‌داد.

سه، با توجه به تلقی دولت‌محور در امنیت، تهدیدات نظامی که پایگاه مادی دولت‌ها را هدف قرار می‌دهد، اولویت و جایگاه مهمی در تحلیل‌های امنیتی داشته است. به این معنا، امنیت در قالب مطالعات راهبردی و دفاعی مطالعه می‌شد. دست آخر اینکه، مباحث امنیتی موضوعاتی بودند که از خارج از مرزهای ملی، دولت را تهدید می‌کرد. نظریه معروف معمای امنیتی جان هرتر^۱ در این راستا قابل بررسی است. در عین حال، دو عامل در شکل‌گیری این مفهوم تقلیل‌گرایانه، کارگزارمحور و محدودنگر نقش داشته است. یکی شکست مفهوم امنیت جمعی در سایه جامعه ملل و تبعیت مفهوم امنیت سازمان ملل از نگاه واقع‌گرایانه و قدرت‌های بزرگ و دوم، غلبه ساخت جنگ سرد بر نظام روابط بین‌المللی که امکان شکل‌گیری دیگر مفاهیم را فراهم نمی‌آورد. (۳)

گسترش دولت‌های تازه استقلال‌یافته در جهان سوم و تغییر و تحول موضوعات و مباحث امنیتی از حوزه‌های داخلی مثل انقلابات و شورش‌های داخلی تا حوزه‌های بین‌المللی مثل محیط زیست، باعث شد نگاه به امنیت متحول شود و توجه به این مفهوم، به عنوان حوزه مستقل تحلیلی، تهدیدات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز در کنار تهدیدات نظامی جایگاه مناسبی یابد. آنچه در این بین تحول ساختاری نیافته، اما به شدت در حوزه کارکردی متحول شده، جایگاه دولت است. دولت همچنان به عنوان ساختار بی‌بدیل در نظام بین‌المللی باقی ماند، اما نوع نگاه به تحولات داخلی و خارجی و گستره موضوعات و توجه به مراجع دیگر امنیتی - انسان، فرد، مردم و نظام بین‌المللی در قالب ساخت دولت به شدت تغییر یافت. به عبارت دیگر، موضوعات و مراجع مختلف امنیت همچنان متکی به دولت است، اما لزوماً دولت‌محور نیست.

در عین حال، ضمن اینکه سطوح امنیت از بعد نظامی متحول شد و جایگاه دولت از نظر ساختاری تغییر جدی نیافت، تلاش‌هایی در مورد انواع امنیت صورت گرفته است که در آن،

1. John Hertz

مراجعه امنیت^۱ جدیدی در حال طرح هستند که جایگاه دولت را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۱. امنیت فردی

مفهوم امنیت فردی^۲ که عمدتاً مبین نگاه فردگرایانه به مفهوم امنیت است، کوشش دارد فرد را در محور امنیت قرار دهد. در نظر این رهیافت، مرجع امنیت یا امنیت باید برای فرد در نظر گرفته شود. نگاه دولت حداقلی، تا حد زیادی این مفهوم از امنیت را مورد توجه قرار می‌دهد. در این نگاه که عمدتاً از اصحاب قرارداد اجتماعی به عاریه گرفته شده، دولت شکل می‌گیرد تا امنیت فردی که در شرایط وضع طبیعی قابل حصول نبوده، به دست آید. بر این اساس، دولت باید تا حدی وارد قلمروی اجتماعی گردد که امنیت و مالکیت فرد را صیانت نماید. گسترش دولت بیش از این به معنی مداخله دولت در زندگی فردی و نقض غرض از شکل‌گیری آن است. به عبارت دیگر، دولت باید ضامن امنیت فردی باشد نه خود به منبع اصلی تهدید آن بدل گردد.^(۴)

۲. امنیت انسانی

مفهوم دیگری که مورد توجه قرار گرفته و تا حد زیادی نوظهور است، امنیت انسانی^۳ است. این مفهوم به معنی آزادی از ترس و احترام به کرامت انسانی برای مشارکت در فعالیت اجتماعی است. در اینجا، اهمیت به افراد داده می‌شود نه دولت و در عین حال، هدف تنها قرار دادن فرد در کانون جهان‌بینی فکری نیست، بلکه حفظ حداقل‌های زندگی و شأن آبرومندانه انسان با هر اندیشه، آرمان و باوری است. به تعبیر نلسون ماندلا، «مردم عادی نیاز به فرصت ساده برای زندگی آبرومندانه، سرپناه مناسب و غذا برای خوردن، امکان مراقبت از فرزندان و

1 . referent objects
2 . individual security
3 . human security

زندگی محترمانه، آموزش مناسب برای تأمین مخارج‌شان، بهداشت و دسترسی به شغل دارند.» (۵) در این معنی نیز مرجع امنیت بودن دولت تحت شعاع قرار می‌گیرد.

۳. امنیت اجتماعی

نوع دیگر امنیت، امنیت اجتماعی^۱ است. امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفاهیم نظم اجتماعی، هویت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و در نهایت، اعتماد اجتماعی دارد. در این رابطه، جوامع زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آنها مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه، تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل می‌سازد. (۶) به عبارت دیگر، زمانی امنیت اجتماعی تهدید می‌شود که "مای" جامعه مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. با این نگاه، منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع و منزلت اجتماعی گروه‌های اجتماعی و راه‌کارهای حل کشمکش‌های اجتماعی، به عنوان سه مقوله اصلی در چارچوب فرهنگ هر جامعه است. (۷) در اینجا، مرجع امنیت، گروه‌های اجتماعی هستند نه دولت.

۴. امنیت عمومی

امنیت عمومی^۲، دیگر گونه امنیت است. امنیت عمومی وظیفه حکومت در حفاظت از شهروندان، سازمان‌ها و نهادها علیه تهدیدات است تا روال بهینه و مصونیت اجتماعی‌شان تضمین گردد. این مفهوم، مسایل جرایم سازمان‌یافته، بیماری‌های شایع، اتفاقات جدی، مصایب زیست‌محیطی و توقف خدمات اجتماعی و رفاهی که باعث اختلال در نظم و آرامش عمومی می‌شود، را شامل می‌گردد. (۸) یک نظر این است که در روال سنتی، وظایف پلیس بیشتر در این رابطه تعریف‌پذیر است. (۹)

1 . societal security

2 . public security

۵. امنیت سرزمینی

گونه دیگری از امنیت که تا حدی به امنیت عمومی نزدیک می‌باشد، امنیت سرزمینی^۱ است. این نوع از امنیت اشاره به اقدامات خارجی علیه بخش‌های مختلف داخلی است که نمونه برجسته آن هراس‌پروری (تروریسم) بین‌المللی است. هدف از این اقدامات، سیستم آب و غذا، کشاورزی، سیستم سلامت و خدمات اضطراری، سیستم اطلاعات و ارتباطات، مخابراتی، نظام بانکی و مالی، انرژی الکتریکی، هسته‌ای، گاز و نفت، سدها، حمل‌ونقل (هوایی، جاده‌ای، راه‌آهن، بنادر و آب‌راه‌ها)، صنایع دفاعی و شیمیایی، پست، کشتی‌رانی و بناهای ملی است. (۱۰)

۶. امنیت داخلی

آخرین نوع امنیت که به امنیت ملی نزدیک است و همانند امنیت ملی دارای مرجعیت یکسانی با آن است، امنیت داخلی^۲ است. امنیت داخلی وضعیت اجتماعی است که شهروندان و ساکنین یک کشور قادر به بهره‌گیری از قانون در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان بدون فشارهای منفی باشند. فشارهای منفی شامل جرایم اجتماعی و نظامی مثل خشونت، هراس‌پروری، شورش‌های شهری و مهاجرت است. (۱۱) این نوع امنیت به نوعی وجه داخلی مفهوم امنیت ملی است و بر همین اساس، مرجع امنیت آن دولت است. این دسته‌بندی شش‌گانه امنیتی که در حوزه امنیت خرد^۳ قرار دارند، به این دلیل انتخاب شده است که با کارکردهای پلیس نزدیکی بیشتری دارد.

در بررسی کلی، نظریه‌های امنیتی را می‌توان در دو دسته خرد و کلان مورد بررسی قرار داد. نظریه‌های امنیت خرد عمدتاً در حوزه داخلی و مباحث فروملی با توجه به جایگاه دولت مورد بررسی قرار می‌گیرند. در مقابل، نظریه‌های امنیت کلان به مباحث امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی اشاره دارد. گستره بحث، اهداف، مقاصد و تعداد بازیگران

1 . homeland security

2 . internal security

3 . micro security

تأثیرگذار، اهمیت بسیاری در این تقسیم‌بندی دارد. این تعریف، امر متعارف در این زمینه است؛ زیرا اگر موضوعی در حوزه امنیت خرد، گستره امنیت کلان بیابد، می‌تواند در سطوح بالاتر مدیریت شود. برای مثال، هراس‌پروری (تروریسم) و طالبان در ترکیب با القاعده، موضوع افغانستان را از دستور کار امنیت خرد به موضوعی با اولویت بالا در امنیت بین‌المللی بدل ساخته است. به عبارت دیگر، نقش و جایگاه دولت در این دسته‌بندی اهمیت دارد. اگر دولت در مرز این دسته‌بندی از توان مواجهه برخوردار نباشد و آسیب و تهدید فراتر از مرز دولت شیوع یابد، نوع نگاه به امنیت خرد به سوی امنیت کلان نیل می‌کند.

هدف از طرح این مباحث نظری این است که مباحث امنیتی در قلمرو داخلی کشور، با توجه به تحولات اجتماعی تغییر یافته و پلیس به عنوان نیرویی اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین، تحول در مباحث امنیتی نشان می‌دهد کارکرد پلیس تنها با یک یا دو نظریه امنیتی تعریف نمی‌شود، بلکه مجموعی از مباحث چندوجهی و چندلایه باید در دستورکار پلیس قرار گیرد. در عین حال، بررسی کارکردهای پلیس نشان می‌دهد مباحث امنیت ملی و بین‌المللی، به عنوان حوزه امنیتی کلان، تا حد زیادی از قلمرو موضوعات اصلی پلیس بیرون است. (۱۲)

ب. تحول کارکردهای پلیس در پرتو نظریه‌های امنیتی

همان‌طور که در فرضیه مقاله، در مقدمه بحث آورده شد، تحول کارکردهای پلیس را می‌توان در چهاربخش بررسی کرد. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

رتال جامع علوم انسانی

۱. کارکرد سنتی پلیس

تأثیر اول به تحولاتی اشاره دارد که مربوط به کارکرد سنتی پلیس می‌شود. در شکل سنتی پلیس، نگاه به امنیت عمدتاً سلبی است و به سه بخش اصلی خدمات اجتماعی، ایجاد نظم و کنترل جرایم تقسیم می‌شود. (۱۳) این سه بخش، سه سبک عملیات پلیسی قانونی، نظارت و

خدماتی را نشان می‌دهند. اولویت هر یک از آنها نشانه رویکرد پلیس به امنیت انتظامی با توجه به شرایط مختلف کشورهاست. پلیسی که بر موضوع خدمات اجتماعی بیشتر متمرکز شده است، نشانه آسودگی خاطر یا مسأله‌نبودن جرایم در آن کشور است. در این رهیافت، خدمات اجتماعی به موضوعاتی مثل گذرنامه و کمک به افراد، به ویژه در شرایط فوریتی می‌پردازد. در مقوله ایجاد نظم، مباحث امنیت درون‌شهری، امنیت برون‌شهری، کنترل مراکز حساس، امنیت مرزها و ضابطین قضایی اولویت می‌یابد. در بخش کنترل جرایم، مبارزه با مفاسد اجتماعی، قاچاق و مفاسد مواد مخدر در اولویت است. در این نگاه سنتی، آنچه اهمیت دارد، اولویت «نظم» در جامعه است و به یک معنا، وظیفه اصلی پلیس «فعالیت‌های غیرنظامی» است. (۱۴) مهمترین وظیفه پلیس در این خصوص، اعمال قانون و دستگیری مجرمین است. به همین دلیل، دسترسی ۲۴ ساعته، اقتدار برای اعمال زور و داشتن اختیار، امر ضروری است. (۱۵) این ویژگی‌ها، به ویژه اختیارداشتن به این دلیل است که پلیس در شرایط واقعی و جدی بودن جرم، رسیدگی فوری به آن و محیط مملو از رفتارهای مشکوک عمل می‌کند. (۱۶) به‌رغم تأکید بر اختیار و صلاحیت وظایف پلیس، مسأله مهمی که در اینجا رخ می‌دهد، این است که این اختیارات چگونه باید مورد ارزیابی و نظارت قرار گیرد. در اینجا روش‌های سازمانی متعددی به‌کار گرفته می‌شود:

«تقسیم‌کار میان کسانی که بازجویی، دستگیری، محاکمه و مجازات می‌کنند؛ وجود یک ساختار دیوان‌سالارانه شبه نظامی که دامنه آزادی عمل را محدود و مسئولیت‌پذیری ایجاد می‌کند؛ جدایی پلیس از ارتش و به وجود آوردن کارگزاری‌های پلیسی رقیب؛ کارگزاری‌های مستقل (و تفکیک بخش‌های سازمانی) که مراقب رفتار پلیس باشند و برای برخی از اعمال بسیار زحمت‌آور باید مجوز صادر کنند؛ تعیین هویت پلیس (مثلاً استفاده از لباس‌های همشکل همراه با شماره‌های شناسایی و استفاده از خودروهای دارای علائم مشخص یا در مورد پلیس مخفی که هویتش پنهان است، وجود دادگاهی که در آن فریبکاری پلیس به‌طور علنی افشا و داوری شود)؛ چرخش انتصابات.» (۱۷)

آنچه در این رویکرد سنتی به امنیت اولویت دارد، امنیت فردی و عمومی است. امروزه این وظیفه اصلی پلیس نیز با توجه به پیچیدگی‌های جامعه متحول شده است. جرایم در جامعه به شکل سازمان‌یافته پدیدار می‌شود و هدف این جرایم، مبارزه برابر یا ایجاد تشکیلات فساد در بدنه نظام سیاسی است. (۱۸) برای مقابله با این نوع تهدیدات، وجه نظامی پلیس به شدت تقویت می‌شود. در این رابطه، پرسش مهم این است که آیا حرفه نظامی در بدنه پلیس امر لازمی است و اگر لازم است، این ضرورت تا چه حدی باید باشد؟ بسیاری از متخصصان مسایل پلیس بر این عقیده‌اند که بررسی‌ها به طرز قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد توجه به ملزومات نظامی جدید در مبارزه با مفسد اجتماعی سازمان‌یافته، امری ضروری است. (۱۹) بر همین اساس، نیروهای ضربت، جزء نیروهای ضروری پلیس می‌باشند که در شرایط غیرعادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نیروها که به پلیس ثبات^۱ یا نیروهای پلیس^۲ معروف هستند، ترکیبی از پلیس و نیروی نظامی هستند که با تصویب قانون و با قابلیت کنترل شورش‌ها بر اساس تاکتیک‌های رزم عمل می‌کنند. (۲۰) ویژگی این نیروها، انضباط و نظم گروهی، تمرکز فرماندهی، روحیه همبستگی و احساس یکپارچگی و رابطه سلسله‌مراتبی است. (۲۱)

۲. کارکردهای جدید پلیس

برخلاف کارکرد اصلی پلیس که سلبی است و به فعالیت غیرجنگی و غیرنظامی اختصاص دارد، کارکرد جدید وجه ایجابی دارد و معطوف به انتقال شرایط جنگی به صلح می‌باشد. (۲۲) مباحثی که در این رابطه مورد نظر است، ابتدا پیشگیری از زمینه‌های وقوع جرم و ایجاد فضا و جو آرامش در جامعه است. رسیدگی سریع به تخلفات، عادلانه‌بودن اعمال قانون و خویشن‌داری در موقعیت‌های حساس نیز در بدو امر، زمینه جرم را کاهش می‌دهد. (۲۳) بهشت موعود جنایتکاران، جایی است که اعمال قانون در آنجا کند و غیرعادلانه است. همچنین، از جمله اقداماتی که برای ایجاد آرامش در جامعه لازم است تا نشان دهد که اوضاع تحت کنترل است، استفاده از فناوری‌های جدید و تنظیم گشت‌های مختلف است.

1. stability polices
2. constabulary forces

«دستگاه‌های نظارت ویدئویی، پرونده‌های رایانه‌ای و شکل‌های گوناگون خبرگیری زیستی و الکترونیکی می‌توانند پلیس را کارآمدتر کنند. وجود پایگاه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای قوی که الگوهای جرم را تحلیل می‌کنند، ممکن است در حل جرایم و تعیین محل مرتکبان جرم یاری‌بخش باشد. شکل‌های جدید تعیین هویت از جمله «دی.ان.ای» یا انگشت‌نگاری رایانه‌ای می‌تواند به محکوم کردن مجرمان و حمایت از بی‌گناهان یاری رساند.» (۲۴)

همچنین، معمولاً گشت‌های پلیس برای رسیدگی به هشدارهای سرقت، ارزیابی سوانح رانندگی، مراقبت از مردم آسیب‌دیده و تلاش برای حل اختلافات مردمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع گشت‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی، به سه دسته گشت مستقیم برای نشان‌دادن در دسترس بودن پلیس، به‌ویژه در مواقع نیاز، گشت تهاجمی برای رسیدگی و برخورد با متخلفان و گشت قدم‌زنی برای بررسی اوضاع از نزدیک، به‌ویژه برای پلیس‌های محلی است. (۲۵)

دیگر کارکرد جدید پلیس، تشکیل پلیس اجتماعی^۱ است. هدف از تشکیل پلیس اجتماعی آن است که پلیس در هر محله یا منطقه خاص، به امور اجتماعی از جمله کمک به کاریابی مجرمین پس از تحمل مجازات یا کمک به امور جاری آن بپردازد. (۲۶) در این کارکرد، پلیس نقش مددکار اجتماعی محله را دارد. در عین حال، پلیس محله می‌تواند از نیروهای بومی برای رسیدگی به امور آن محله و پیشگیری از جرم استفاده نماید. شناخت نیروهای بالقوه و فعال از سوی پلیس و سازماندهی آنها برای تشکیل جامعه امن در محله، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد آرامش و امنیت مبتنی بر مشارکت مردم داشته باشد. (۲۷) در عین حال، با در نظر گرفتن «سبد امنیت»^۲ بودجه مورد نیاز هر محله، از نظر سهم دولتی و غیردولتی در تأمین امنیت هر محله یا بخش، امکان مناسب‌تری برای عملیاتی کردن طرح‌های پلیس در مناطق خاص ایجاد می‌کند.

«بر طبق الگوی پلیس اجتماعی، پلیس می‌باید بیشتر آدمی جامع‌الاطراف باشد تا فردی خاص و باید دارای سازمانی غیرمتمرکز باشد... این کوشش بر

1 . community police

2 . security basket

این فرض استوار است که مراقبت پلیسی وقتی مؤثر خواهد بود که از پشتیبانی و مشارکت جامعه برخوردار باشد و جنبه‌های مختلف پلیس در زمینه خدمات اجتماعی و حفظ نظم را به رسمیت شناسد.» (۲۸)

نکته آخر اینکه، نقش مردمی در تأمین بودجه امنیت محله بر اساس «سبب امنیت»، قابلیت کاربرد برای پلیس خصوصی نیز دارد. پلیس خصوصی می‌تواند برای مؤسسات و مراکز غیردولتی که خواستار امنیت بیشتر در قبال پرداخت هزینه آن هستند، کارآمد باشد. این کار چند مزیت مهم دارد. ابتدا اینکه، واگذاری امنیت این اماکن به نیروهای پلیس امکان کنترل آنها را برای نیروهای پلیس با هزینه غیردولتی فراهم می‌آورد. پلیس هر مرکز یا مؤسسه‌ای، ضمن پاسداری از آن مؤسسه یا مرکز یا مجتمع مسکونی، امکان کنترل فراگیر پلیس را به‌ویژه در شرایط حساس اجتماعی فراهم می‌سازد که ممکن است با هزینه عمومی قابلیت توجیه نیابد. دومین مزیت این است که امکان سودآوری و درآمدزایی پلیس برای رسیدگی بیشتر به کارکنان خود را فراهم می‌آورد. این کار باعث می‌شود پلیس با علاقه، انگیزه، خلاقیت و جانفشانی بیشتری به کار خود بپردازد. سومین مزیت مهم این است که پلیس خصوصی با ایجاد رقابت، باعث گسترش بهتر و کارآمدتر شدن و همچنین، کنترل پلیس عمومی می‌شود. تنها اشکال مهم پلیس خصوصی وقتی است که جامعه «با نیاز اساسی‌اش مثل امنیت به صورت کالا رفتار کند، بدیهی است که مردم فقیر سودی نخواهند برد... اولین هدف پلیس خصوصی بیشتر خدمت‌کردن به کارفرمای خود است تا توجه به انصاف و نفع عمومی به طور وسیع.» (۲۹) در این بخش، کارکردهای جدید پلیس، یعنی سه کارکرد به‌کارگیری گشت‌ها، پلیس اجتماعی و پلیس خصوصی با چارچوبه‌های امنیت اجتماعی باید مورد بررسی قرار گیرد. هدف، تأمین خدمات اجتماعی مردم برای حفظ همبستگی و اعتماد اجتماعی است. در اینجا آنچه اهمیت دارد، رابطه متقابل پلیس و جامعه برای درک متقابل است. به عبارت دیگر، این رابطه متقابل باعث شکل‌گیری هویت‌های مختلف و احترام به هویت‌های اجتماعی اقشار مختلف جامعه در عین مکمل‌بودن کارکردهای هر قشر خاص است.

کارکرد دیگر پلیس، ایفای نقش در عملیات بشردوستانه یا حوزه امنیت انسانی برای کمک به افراد آسیب‌دیده در سیل، زلزله، قحطی و بحران‌های اجتماعی مثل شرایط جنگی است. این

کار تنها در قلمروی یک کشور خاص نیست، بلکه به شرایط فرامرزی نیز قابل تسری است؛ زیرا برای جلوگیری از سرریز شدن مسایل امنیتی بیرونی به مرزهای داخلی، باید ناامنی را در منطقه اصلی مورد پیگیری قرار داد. در این شرایط، مسئولیت پلیس شامل کمک به اداره شهر، جلوگیری از وقوع جرم، آموزش پلیس محلی، ارسال مایحتاج عمومی و کنترل اوضاع و واگذاری امور به مسئولین محلی است. (۳۰) در این بخش، امنیت و حفظ جان افراد اولویت اساسی می‌یابد که عمدتاً در حوزه امنیت انسانی قرار می‌گیرد و در مورد حمایت از افراد در شرایط غیرمتعارف، با کارکرد امنیت عمومی نزدیکی و مجانست دارد.

در عین حال، یکی از وظایف پلیس در شکل سنتی، مقابله با شورش‌های اجتماعی بود، اما در شکل جدید، پلیس می‌تواند فراتر از نیروی سرکوبگر شورش و ناامنی، به عنوان میانجی برای ایجاد صلح در جامعه یا فراتر از جامعه عمل نماید. این کار در فرایند کلی، در سه مرحله طراحی می‌گردد. اقدامات پلیس در مرحله اول شامل کاهش شورش از طریق حضور و هدایت دیپلماسی یا میانجیگری بی‌درنگ برای رفع اختلاف می‌شود. در مرحله دوم، پلیس باید به دفع حمله، اقداماتی برای جداکردن گروه‌های مبارز، ایجاد منطقه حایل بین نیروهای درگیر، نظارت بر جمع شدن و تجهیز درباره نیروها، پاکسازی تسلیحات (مثل مین‌ها)، جمع‌آوری اسلحه، ایجاد آرایش نظامی، نظارت بر گروه‌های غیرمسلح یا شبه‌مسلح بپردازد. اقدامات مرحله سوم شامل کنترل شورش و ناآرامی، مداخله علیه گانگسترهای مسلح، حفظ نظم و قانون داخلی، کشف و جلوگیری از جرایم و بیرون‌بردن افراد عادی از منطقه خشونت‌آمیز است. (۳۱) در اینجا، کارکردهای پلیس با نگاه به امنیت سرزمینی و داخلی مورد توجه است.

از جمله اقدامات مهم پلیس، آمادگی برای مقابله با حملات هراس‌پرورانه (تروریستی) به منابع زیربنایی، حمل و نقل (به‌ویژه هوایی و مترو)، امور اقتصادی و بهداشتی است که در حوزه امنیت سرزمینی و داخلی قرار می‌گیرد. (۳۲) این بخش از وظایف نیروی پلیس معمولاً با همکاری دیگر بخش‌های امنیتی کشور انجام می‌پذیرد. مجموعه کارکردهای جدید پلیس نشان می‌دهد پلیس در حوزه امنیت داخلی و سرزمینی نقش بسیار پررنگی می‌تواند بازی کند.

۳. کارکردهای اجتماعی پلیس

در اینجا چهار موضوع باید مورد توجه قرار گیرد. ابتدا جایگاه و منزلت پلیس در جامعه است. مسأله اصلی این است که انتظارات عمومی از نقش رسمی پلیس متفاوت است. حتی خود افراد و مراکز پلیس، انتظارات متفاوتی از نقش خود دارند. اگر این انتظارات شکاف بسیار وسیعی را نشان دهد، در این صورت می‌توان از «کشمکش نقشی»^۱ در مورد جایگاه پلیس بحث کرد. در عین حال، آنچه مردم از پلیس انتظار دارند، بستگی به این دارد که جامعه چگونه به نقش پلیس می‌نگرد. به طبع، افراد و قشرهای مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص نقش پلیس دارند. (۳۳) مهمترین عارضه در این بحث این است که کشمکش نقشی باعث کاهش توان نظامی، انتظامی نیروها و عدم کارایی آنها در مواقع ضروری شود، تنزل شأن اجتماعی نیروهای نظامی و انتظامی را منجر گردد و روحیه سلحشوری آنها را تحلیل برد. (۳۴) موضوع دیگر، پیوند مستمر پلیس با مراکز اجتماعی مرتبط است. پلیس برای ایفای بهتر کارکردها، توجیه فعالیت‌هایش و دریافت انتظارات جامعه و افراد و قشرهای مختلف، نیاز به ارتباط منسجم و هماهنگ با رسانه‌های جمعی، مطبوعات، شورای شهرها و روستاها و مراکز دانشگاهی دارد. در اینجا، هدف ایجاد اعتماد متقابل میان پلیس و جامعه است. اعتماد به عنوان یکی از اجزای مهم سرمایه اجتماعی، تأثیر بسیار زیادی در کاهش هزینه‌های اجتماعی جامعه، همبستگی و همکاری اجتماعی و کاهش کنترل و نظارت اجتماعی دارد. (۳۵)

این دو روال اجتماعی کمک می‌کند نقش پلیس در ایجاد امنیت برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر فراهم گردد. تأمین امنیت توسط پلیس برای ایجاد بستر امن برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بهینه است. برقراری امنیت هر منطقه در جذابیت محل برای فعالیت‌های جهان‌گردی، بهره‌وری و موقعیت اقتصادی، تأثیرگذار می‌باشد. (۳۶) در اینجا امنیت را می‌توان به مثابه شاسی ماشین تعبیر کرد که دیگر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، همانند اتاق و موتور ماشین بر روی آن سوار می‌شود.

در نهایت، چون در عصر جهانی شدن زیست می‌کنیم، یکی از الزامات زیست در این دهکده جهانی، پرداختن به وجوه مختلف مهاجرت است. بخشی از مباحث مربوط به

سیاست‌گذاری، مستقیماً در حوزه کاری پلیس نیست، اما کنترل و اعمال آن کاملاً در حیطه کاری پلیس قرار می‌گیرد. جدا از اهمیت این نکته در تأمین امنیت منطقه و ایجاد زمینه‌های جذب جهان‌گرد، پلیس می‌تواند با تجربه‌ای که در اعمال قانون مهاجرت دارد، در ارزیابی و بازنگری آن کمک مؤثری ایفا نماید. (۳۷) تمام این چهار کارکرد، یعنی منزلت اجتماعی، ارتباط با جامعه، بسترسازی دیگر فعالیت‌های اجتماعی و مهاجرت، در قلمرو امنیت اجتماعی معنا می‌یابند.

۴. نقش پلیس در امنیت ملی

نقش پلیس در امنیت ملی، از وجوه گوناگونی برخوردار است. در معنای کلی، پلیس با مباحث امنیتی فروملی یا مباحث امنیتی که ثبات نظام سیاسی را به خطر می‌اندازد، ارتباط وثیقی ندارد و اگر چنین شرایطی در کشوری پدید آید، مسئولیت اصلی پیگیری آن بر عهده دیگر دستگاه‌هاست؛ هرچند پلیس هم به عنوان یکی از مجریان امر، عمل خواهد کرد. بنابراین، وظیفه پلیس در بدو امر، دورکردن بحران‌ها برای جلوگیری از بدل شدن آنها به مسأله امنیت ملی است. در عین حال، در امور داخلی کشورها، پلیس قدرتی است که همه دولت‌ها برای اجرای قواعد رسمی رفتار از طریق کاربرد زور یا تهدید به زور از آن استفاده می‌کنند. مسأله اصلی این است که آیا پلیس در این شرایط به عنوان یکی از کارگزاری‌های دولتی به شکل بی‌طرفانه و عادلانه‌ای به اجرای قوانین می‌پردازد. به تعبیر ناپلئون، «کسی که ملتی را نجات می‌بخشد، هیچ قانونی را نقض نمی‌کند».^۱ (۳۸) اگر پلیس نماد اراده جمعی، اجتماعی، ملی و رسمی کشور باشد، در خدمت امنیت ملی است، اما در غیر این صورت، نماد قدرت گروه‌های حاکم خواهد بود. این همان وجه منفی قدرت انضباطی فوکویی است. (۳۹) در اینجا، دولت برای اینکه در راستای امنیت فردی، گروه‌های اجتماعی و مصالح جمعی عمل نماید، خود به عامل و منبع اصلی بی‌ثباتی و ناامنی بدل می‌گردد. «رژیم‌هایی که توسط ناظران خارجی وحشتناک خوانده می‌شوند... به واسطه ترکیبی از حضور پلیسی سنگین - البته نه با هزینه کم‌رکن - و با ایجاد لختی سیاسی در میان مردم، خودشان را حفظ می‌کنند».^۲ (۴۰)

1. He who saves a nation breaks no law.

عدالت ناقص و تحمیل مجازات‌های ناعادلانه، نقش مهمی در گسترش مسایل اجتماعی فروملی به حوزه امنیت ملی خواهد داشت. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، بین سال‌های ۸۲-۱۹۶۳، ۴۴۰/۰۰۰ نفر کشته، ۱/۷ میلیون نفر مجروح و ۲/۷ میلیون نفر هدف سرقت مسلحانه قرار گرفتند. (۴۱) بنابراین، هر تلاشی برای تعادل‌بخشی اعمال مؤثر قانون با حمایت آزادی‌های وسیع مدنی در تعارض قرار گیرد، بی‌طرفی پلیس به عنوان عامل دولت و مجری نظم داخلی در معرض خطر قرار می‌گیرد و دولت را به دولت پلیسی بدل می‌سازد. تنزل موقعیت و منزلت پلیس، نشان از کاهش مشروعیت نظام سیاسی دارد و از نشانگان دولت ضعیف در جامعه محسوب می‌گردد. (۴۲) بنابراین، نحوه مدیریت پلیس در جامعه، به ویژه در شورش‌های شهری، از طریق حل اختلاف یا مبارزه با گروه‌های هراس‌پرور، اقتدار و عزت پلیس و مشروعیت و استقرار نهادینه‌شده نظام سیاسی را منعکس و بازتاب می‌بخشد.

نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری می‌توان به پنج نکته اشاره کرد. اول آنکه، هدف مقاله این بود که تحول کارکردهای سنتی و در عین حال، اصلی پلیس را مورد بررسی قرار دهد و به تحولات جدید در کارکردهای پلیس بپردازد. این کار بر این اساس صورت گرفت که پلیس هم مانند دیگر نیروهای اجتماعی، با تغییر و تحولات جامعه دچار فراز و فرود می‌شود و درک چرایی این تحولات در تسهیل کارکردهای این نیروی مهم اجتماعی تأثیر خواهد داشت. از این منظر، پلیس در شکل سنتی، نقش اعمال قانون و دستگیری مجرمان را بر عهده دارد که در چارچوب امنیت فردی و عمومی تجلی می‌یابد. البته، در اینجا این بحث نظری مطرح نشد که در صورت تعارض امنیت فردی و عمومی، کدام یک باید در دستور کار پلیس قرار گیرد، زیرا می‌بایست وارد مجادلات نظری و نظام‌های سیاسی متعدد فردگرا و غیرفردگرا می‌شدیم که در حوزه مباحث نظری امنیتی قرار می‌گیرد و در قلمرو مباحث کارکردی پلیس نمی‌گنجد. آنچه این موضوع را در اینجا به حاشیه می‌برد، این است که پلیس صرفاً مجری قانون در هر نظام سیاسی، خواه فردگرا یا غیرفردگرا است، نه واضع یا حتی مفسر آن.

دوم آنکه، پلیس کارکردهای جدید در حوزه کمک به افراد، ارتباط با نهادهای اجتماعی دیگر و مقابله با خرابکاری و اقدامات ضدامنیت ملی دارد که با توجه به نظریات امنیت انسانی، امنیت اجتماعی، امنیت سرزمینی و داخلی، مورد بحث قرار گرفت. این امر نشان از پیچیدگی و چندلایه بودن کارکردهای پلیس دارد و این نیروی بسیار مهم جامعه را از دیگر نیروهای نظامی و غیرنظامی متمایز می‌سازد و به‌رغم فعالیت این نیرو در حوزه خرد امنیت که عمدتاً در مطالعات امنیتی مورد اعتنای جدی نبوده است، به هیچ عنوان به معنی کم‌اهمیتی نیروهای این حوزه به نسبت حوزه کلان امنیت نیست. در ادامه، برخی از وجوه پیچیدگی و چندلایه بودن آن را با توجه به مباحث مطروحه در متن مقاله برای نشان دادن اهمیت این حوزه برمی‌شماریم.

سوم آنکه، پلیس نیرویی نظامی است که وظیفه دارد در محیط غیرنظامی خدمت نماید. الزامات محیط نظامی دارای سلسله‌مراتب نظامی و تا حدی اجباری است و در تغایر جدی با مقتضیات محیط غیرنظامی می‌باشد. هرچند انتظار از پلیس این است که در مقابله با مجرمان و خاطیان، با جدیت برخورد کند تا فضای عمومی جامعه سالم بماند، ولی از یک سو، بخشی از وظیفه پلیس خدمت‌رسانی است و در عین حال، می‌بایست حتی در برخورد با متخلفان، با خویشتن‌داری و منطبق با قانون عمل نماید. این پیچیدگی رفتاری در دیگر نیروهای نظامی یا غیرنظامی مشاهده نمی‌شود.

چهارم آنکه، پلیس نیرویی است که در بدو امر باید تابع حکومت باشد، اما در عین حال، به مطالبات مردمی نیز بپردازد. این موضوع به‌ویژه در جوامعی که تعارض‌هایی در این زمینه دارند، بیشتر قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، مسأله این است که پلیس تا چه حد خود را نیرویی دولتی و رسمی و حافظ امنیت حکومت و نظام سیاسی که حقوق‌بگیر آن است، می‌داند و تا چه حد خود را خدمت‌گذار مردم تصور می‌کند؟ هرچند این موضوع ممکن است برای دیگر نیروهای دولتی هم مطرح باشد، اما خدماتی که پلیس حتی در حوزه خدمات اجتماعی مثل صدور گذرنامه یا صدور گواهینامه انجام می‌دهد، کالای معمولی نیست، بلکه خدماتی از جنس خدمات امنیتی است.

پنجم آنکه، پلیس به خاطر اینکه نیرویی دولتی و رسمی است، همانند دیگر نیروهای جامعه، همیشه در معرض ارزیابی قرار دارد، اما مردم با هیچ نیروی نظامی همانند پلیس ارتباط ندارند. کالایی که پلیس عرضه می‌کند، امنیت است و در نتیجه، عملکرد آن در مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌سوزی نظام سیاسی انعکاس بیشتری دارد. در عین حال، پلیس نیرویی است که تقریباً هیچ قشر اجتماعی را نمی‌توان یافت که نیازمند خدمات آن به شکل محسوس، فراگیر و شبانه‌روزی نباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

1. Erwin A. Schmidl, "Police Functions in Peace Operations: An Historical Overview", in Robert B. Oakley, Michael J. Goldberg, *Policing the New World Disorder; Peace Operations and Public security*, in Policing the new World Disorder htm, 2009.
۲. باری بوزان، *مردم، دولتها و هراس*، داود غرایاق زندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، زیر چاپ مقدمه.
۳. نگاه کنید به: رابرت ماندل، *چهره متغییر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷. فصل اول و دوم.
۴. نگاه کنید به: باری بوزان، پیشین، فصل دوم.
۵. داود غرایاق زندی، «چشم‌انداز امنیت انسانی در خاورمیانه سده بیست و یکم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۷، ص ۵۷۶.
۶. داود غرایاق زندی، «امنیت اجتماعی در پرتو شیوه‌های حل کشمکش‌های اجتماعی»، *فصلنامه امنیت عمومی*، شماره ۳ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۷۵.
۷. همان، ص ۱۷۶.
8. "Public Security", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.
۹. از جمله نگاه کنید به: سیامک ره‌بیک، «نسبت امنیت فردی و عمومی»، *فصلنامه امنیت عمومی*، سال دوم، شماره دوم و سوم، ۱۳۸۶، ص ۱۵.
۱۰. «وزارت امنیت داخلی آمریکا»، ترجمه فرزاد پورسعید، در محمود یزدان‌فام (گردآوری)، *راهبرد امنیت ملی آمریکا*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷، ص ۹-۱۶۲. همچنین نگاه کنید به:
- Marcus J. Ranum, *The Myth of Homeland Security*, Indiana, Willy Publishing, Inc. 2004.
11. "Internal Security", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.
۱۲. برای مطالعه بحثی مبسوط در رابطه با مفاهیم امنیتی نگاه کنید به:
- ابراهیم حاجیانی، «چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۴.
13. "Law Enforcement in the United States", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.
14. Erwin A. Schmidl, op.cit., p.3.
15. "Law Enforcement in the United States", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.

16. Ibid.
۱۷. گری ت. مارکس، «پلیس» ترجمه محمد ساوجی، در سیمور ماتین لیپست، *دایره‌المعارف دموکراسی*، ترجمه فارسی زیر نظر کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۸.
۱۸. تری تریف، استوارت کرافت، لوسی جیمز و پاتریک مورگان، «رویکرد حقوقی»، در اصغر افتخاری (گردآوری و ترجمه)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۵-۳۳۲.
19. Erwin A. Schmidl, op.cit., p.3.
20. Stability Police Seminar on Conflict Management and Negotiation, Vicenza Italy, May 29-31, 2006.
۲۱. علیرضا ازغندی، *ارتش و سیاست*، تهران: قومس، ۱۳۷۴، ص ۱۸.
22. Erwin A. Schmidl, op.cit. p.4.
- همچنین، رجوع کنید به ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۶۹/۵/۳ شورای نگهبان، *روزنامه رسمی*، شماره ۱۳۲۳۹-۱۳۶۹/۵/۲۷.
23. Roxane D. V. Sisanidis, *Police Functions in Peace Operations*; Report from a Workshop Organized by the United States Institution of Peace, 1997, p.viii.
۲۴. گری ت. مارکس، پیشین، ص ۴۴۹.
25. "Law Enforcement in the United States", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.
۲۶. گری ت. مارکس، پیشین، ص ۴۴۸.
۲۷. یوسف ترابی، «درآمدی بر رهیافت پلیس مشارکت‌گرا؛ پلیس محله»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، پیش شماره دوم، زمستان ۱۳۸۲.
۲۸. گری ت. مارکس، پیشین، ص ۴۴۸.
۲۹. همان، ص ۴۴۹.
30. Espen Barth Eide and Thrstein Bratteland, "Norwegian Experiences with UN Civilian Police Operations, in Robert B. Oakley, Michael J. Goldberg, *Policing the New World Disorder; Peace Operations and Public security*, in Policing the New World Disorder htm, 2009, pp.5-10.
31. Nils Gunnar Billinger, "Report of the Special Swedish Commission on International Police Activities", Robert B. Oakley, Michael J. pp.10-21, 2009, pp.10-21.
32. For example see to Lois M. Davis, Michael Pollard, Jeremiah Goulka, Katherine Mack, Russell Lundberg, Pual Steinberg, *The Role of the United States Postal Services in Public Safety and security; Implications of Relaxing the Mailbox Monopoly*, Rand, 2008.
۳۳. داود غرایاق زندی، «امنیت اجتماعی در پرتو شیوه‌های حل کشمکش‌های اجتماعی»، پیشین، ص ۱۱۰.
۳۴. اصغر افتخاری، «ابعاد انتظامی امنیت ملی»، در اصغر افتخاری و دیگران، *مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی*، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی، ۱۳۷۹، ص ۲۵.

۳۵. داود غرایاق زندی، «نقش نهادهای اجتماعی در همبستگی ملی در جامعه»، در مجموعه مقالات همایش ملی «اتحاد ملی؛ راهبردها و سیاست‌ها»، تهران؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، صص ۳-۳۸۲.

36. "Public Security", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.

۳۷. داود غرایاق زندی، «امنیت اجتماعی در پرتو شیوه‌های حل کشمکش‌های اجتماعی»، پیشین، ص ۱۱۰.

38. "Police", *Wikipedia*, the Free Encyclopedia. htm, 2009.

۳۹. نگاه کنید به:

- میشل فوکو، «قدرت انضباطی و تابعیت»، در استیون لوکس (ویراسته)، *قدرت؛ فرانسوی یا شر شیطانی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰.

۴۰. باری بوزان، پیشین، ص ۸۶.

۴۱. همان، ص ۸۷.

۴۲. در این رابطه نگاه کنید به:

- تدرابرت گر، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.

